

زناشوئی وسیله است نه هدف

اسلام با فکر اصالت غرائز جنسی مبارزه می کند
خانواده ها در معرض سقوط قرار گرفته
عوامل رکود فکر تشکیل خانواده

برخی از مردم که بارزش واقعی زناشوئی و نقش اساسی آن در صحنه حیات پی نبرده اند ازدواج را تنها وسیله ارضاء تمایلات زود گذر جنسی می پندارند و پاره ای دیگر که تمایلات شدید اقتصادی دارند زناشوئی را يك نوع معامله و تجارت بین زن و مرد و یا بین دو خانواده بشمار می آورند و آنرا از مقام عالی خود تنزل داده ، كاملاً بآن جنبه اقتصادی و تجاری داده ، تنها از دریچه سود و استفاده مادی بآن نگاه می کنند .

این دو نوع طرز تفکر هر دو سخت اشتباه بوده چنانچه بی علاقه بودن بزناشوئی و تشکیل خانواده از واقعیت نوامیس طبیعی فطری و هدف اصلی آن فرسنگها دور است زیرا ازدواج يك ضرورت اجتماعی است که بمنظور ایجاد نسل و حفظ آن صورت میگیرد ، خانواده کانونی است که نسلها را بیکدیگر پیوند می دهد و ضامن بقای اجتماع می باشد و بقول ورم مک آیور ، جامعه شناس معروف : « خانواده کانون صمیمی ترین روابط یعنی روابطی است که شخصیت زن و مرد به عمیق ترین وجه در آن تجلی می کند » .

آری تأمین این هدف اصلی غالباً با تمایلات شدید جنسی همراه بوده و احیاناً مستلزم منافع اقتصادی نیز می باشد ولی فرق است بین اینکه ازدواج تنها وسیله ارضای هوسهای شهوانی یا وسیله منافع اقتصادی باشد و بین اینکه هدف اساسی از زناشوئی ایجاد نسل و حفظ نوع بوده در ضمن منافع مذکور را نیز داشته باشد .

اگر صفحات تاریخ عربستان و سایر بلاد هم جوار مقارن طلوع اسلام را ورق بزیم و با دقت در وضع اجتماعی و نحوه ارتباط افراد آن ممالک بایکدیگر مطالعه نمائیم ، ریشه های این نوع افکار بی اساس را در آن عصر نیز می توان پیدا نمود .

در محیط تاریک و سرتاپا جهل آن روز عده‌ای از غربها تشکیل خانواده را تنها وسیله تأمین هدفهای جنسی دانسته برای آن اصالت قائل بودند و لذا به وسیله که می توانستند در تأمین هوسهای حیوانی خود می کوشیدند .

اسلام با تصدیق اینکه ارضاء غرائز جنسی باندازه کافی ، برای تأمین سلامت جسم و روح لازمست با دستورات حکیمانه خود در صدد این است که از این قوای طبیعی بهره برداری صحیح بنماید و از آن بِنفع اجتماع و ادامه حیات فردی و اجتماعی استفاده کند ، از اینرو اسلام با فکر اصالت غرائز جنسی و اینکه تنها منظور و هدف از قوای جنسی ارضای شهوات زودگذر و لذت‌های آنی باشد ، بمبارزه برخاسته و زناشویی را تنها وسیله حفظ نسل و بقاء نوع و داشتن فرزندان صالح معرفی کرده است چنانچه در قرآن مجید در سوره نحل آیه ۷۲ می فرماید : «... و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة» یعنی خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و نوادگان قرار داد ، و نیز در اول سوره نساء می فرماید : «... و بثمنهما رجالا کثیراً و نساء» یعنی «از زن و مرد ، مردان بسیار و زنان پدید آورد ،

در مقاله شماره قبل متذکر شدیم که داشتن فرزندان و در نتیجه بقاء نوع یکی از انگیزه‌های درونی ازدواج و تشکیل خانواده بشمار میرود و یک امر فطری و یک عهد محکم و پیوند شدیدی است که بر اساس مودت و علاقه بین زن و مرد بوجود می آید .

قرآن مجید علاوه بر تصدیق این احساس درونی و آرزوی فطری ، داشتن فرزندان و ایجاد نسل را یکی از صفات پسندیده بندگان خاص خود می داند .

« و الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین » (۱)

یعنی « بندگان خاص خداوند کسانی هستند که گویند پروردگارا ، ما را از همسران و فرزندان ، آرامش دیدگان عطا کن» .

* * *

خانواده‌ها در معرض سقوط قرار گرفته

در زندگی ماشینی فعلی که کفه معنویت سبک گردیده و بی اعتنائی بمبانی فطری ازهر سو رو بتراید است ، توجه بتشکیل خانواده و تحمل زحمات و مسئولیت‌های خانوادگی کمتر گشته و یک نوع بی‌علاقگی مفرط نسبت بازواج و تشکیل خانواده در روح جوانان پیداشده جوانان بازواج که طریقه صحیح و مشروع اشباع غرائز جنسی می باشد ، علاقه چندانی نشان نمیدهند . آمارهای موجود که از طرف جامعه‌شناسان تهیه شده بخوبی نشان میدهد که رقم ازدواج

(۱) سوره فرقان آیه ۷۴

و تشکیل خانواده نسبت بسالهای قبل بطور محسوس کاهش یافته و در مقابل، انحرافات جنسی در میان جوانان بسرعت سرسام آوری بالا رفته است و محور زندگی تغییر پیدا کرده و بدین ترتیب خانواده‌ها در لب پرتگاه سقوط قرار گرفته‌اند.

آری جز این وضع اسفناک را نباید انتظار داشت زیرا اگر بنا باشد تمام وسائل عیاشی و خوشگذرانی از سینما و کاباره و آزادی بی بند و بار معاشرت دختر و پسر، بدون کوچکترین مانعی در دسترس جوانان قرار بگیرد و بدان وسیله بتوانند بدون تحمل سختیهای تشکیل خانواده غریزه جنسی خود را بنحو کامل اشباع کنند هرگز حاضر نمیشوند کانون خانوادگی تشکیل دهند و فرزندان صالح و پرورمند تربیت نمایند.

شاهد زنده آن وضع ازدواج در امریکا و اروپا است، بی بند و باری جنسی در آمریکا و اروپا طوری جوانان را بخود مشغول داشته است که جوانان توجه زیادی بازواج مبذول نمی‌دارند چنانچه فرید و جدی از مجله «المجلات» چنین نقل میکند: «مسأله ازدواج و زناشویی که آباء و اسلاف ما آنرا از ضروریات می‌شمردند از هر جهت مواجه با شکست سختی شده است» این وضع موجود و این بی بند و باری فوق العاده در جامعه‌های انسانی نه تنها جوانان را بازواج بی‌علاقه نموده و عملاً اصل ضروری اجتماعی را از بین برده است بلکه کانونهای گرم خانوادگی را در معرض اضمحلال قرار داده است و محیطهای خانوادگی را که باید مملو از صمیمیت و مهر و مودت باشد مبدل بانواع اختلافات نموده، ناراحتیها و پریشانیها و... در میان آنها رخنه کرده و بدین ترتیب موجودیت آنرا بخطر انداخته است!

بهترین شاهد گفتار، افزایش آمار و اختلافات خانوادگی و در نتیجه، طلاق و آمار هولناک آن در میان خانواده‌ها در جهان متمدن میباشد!!

عوامل رکود فکر تشکیل خانواده

اینک باید بررسی این مسأله اصلی پرداخت که چه عواملی سبب شده مرض سخت بی‌علاقگی بازواج و در نتیجه انحرافات جنسی در میان جوانان شیوع پیدا کرده و موجودیت خانواده‌ها را بخطر بیاندازد؟ و اسلام چگونه با این عوامل مبارزه بر خاسته و چه روش‌های اساسی را برای از بین بردن آنها پیشنهاد نموده است.

بررسی تمام عوامل و اسبابی که موجب رکود فکر تشکیل خانواده در میان جوانان شده از حوصله بحث در این مقاله خارج است ولی بطور اجمال می‌توان چند عامل عمده زیر را در اینجا نام برد:

۱ - در دسترس بودن وسائل عیاشی و خوشگذرانی و اشباع غریزه جنسی بطرق نامشروع

و در عین حال آسان و سهل از قبیل کاباره و مجالس رقص و تشکیل مجالس عیش و نوش و شب نشینها و آزادی بی حساب جوانان و معاشرت های زیاد پسران و دختران با یکدیگر .

با توجه به تحریکات مصنوعی که بوسیله مطبوعات تنگین و عکس های زننده و فیلم های عشقی که انجام می گیرد خطر این موضوع بیش از پیش آشکار می گردد ، شاهد این مطلب اینکه اخیراً یکی از مطبوعات بعد از نقل حمله دانش آموزان جوان دبیرستانهای آمریکا بمدارس دخترانه ، در ذیل آن چنین می نویسد : « بیشتر دانشمندان آمریکا حق را بجانب جوانان می دهند و می گویند که در آمریکا دستگاه های تبلیغاتی آنقدر در پیرامون جنس لطیف غوغا میکنند و آنقدر با عکسهای شهوت انگیز ، اجناس آلوده را ب مردم تحمیل می کنند که جوانان در دل عشق عجیبی بمنظره زنان لخت پیدامی کنند» (۱)

نتیجه این وضع تنگین این شده که انحرافات جنسی بصورت های مختلف بوجود آمده و هیچ عامل اخلاقی نیز که کنترل این غریزه سرکش را بنجایدیده نمیشود .
کسانیکه با مطبوعات سروکار دارند نمونه های زیادی از این انحرافات را در صفحات حوادث می خوانند که بمنزله زنگ خطری بشمار میرود .

۲ - سنگین بودن مهر و سایر تشریفات ازدواج و زیاد بودن جهیزیه دختران و ... موافقی در سر راه زناشویی ایجاد نموده اند که جوانان جرأت نمی کنند کانون خانوادگی تشکیل دهند .
در میان غربیها گرچه مهریه باین معنی که در شرق است وجود ندارد ولی آنان نیز تشریفات برای ازدواج قائلند که شاید هزینه کم از مراسم ازدواج شرقیها نباشد .

۳ - بعضی از جوانان دختر و پسر بقدری در انتخاب همسر مشکل پسندند و بقدری قیود و مشخصات و شرائط اقتصادی از قبیل ثروت مند بودن دختر و پسر و از خانواده اشراف بودن و ... و یا مشخصات جسمی برای دختر و پسر تعیین می کنند که در خارج از عالم خیال کمتر پیدا میشود و از اینرو باسانی نمیتوانند تن باز ازدواج دهند و باین ترتیب اصل مهم اجتماعی قربانی يك سلسله از مظاهر و توقعات نا بجای عده ای میگردد .

اکنون باید دید که اسلام برای درمان این مرض روحی و بیعلاقگی جوانان بتشکیل خانواده چه دستور هائی بیان نموده و بچه نحو با عوامل این مرض خطرناک مبارزه کرده است ؟ و در مقابل کشیشان مسیحی و سایر ادیان مختلف راجع باز ازدواج چه نظری دارند ؟ در شماره آینده تفصیل این مطالب را مطالعه می فرمائید .